

## تحلیل عملکرد سازمان ملل متحد در بحران افغانستان (۱۹۷۹-۲۰۲۱): اقدامات حقوقی و سیاسی\*

آرزو روانستان<sup>۱</sup>

نودر شفیعی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل عملکرد سازمان ملل متحد در حل و فصل بحران افغانستان از سال ۱۹۷۹ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی است که با کاربست شیوه کیفی و مبتنی بر گردآوری اطلاعات از طریق بررسی منابع آرشیو شده در سازمان ملل متحد و به روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که عملکرد سازمان ملل متحد در فرآیند حل و فصل بحران افغانستان چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش مبین آن است که اگرچه سازمان ملل متحد به عنوان یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های بین‌المللی دولتی از طریق نهادهای اصلی خود نظیر شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرکل، با پیاده‌سازی و اجرای اقدامات حقوقی ذیل قطعنامه‌های ششم و هفتم منشور سازمان ملل، سیاسی نظیر اقدامات دبیرکل و نماینده ویژه و نهادسازی از طریق نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها و اقدامات در جهت حل و فصل بحران افغانستان، تلاش‌های مضاعفی داشته است؛ ولی با این وجود در رسیدن به این اهداف، کاملاً موفق نبوده است. یافته‌های این پژوهش با توجه به قواعد و اصول مدل تحلیلی بحران‌های بین‌المللی مایکل برچر بررسی شده است و حاکی از آن است که سازمان ملل متحد با وجود برخورداری از سطوح بالای استقلال و مشروعیت در سطح بین‌المللی، به دلیل ضعف ساختاری و وابستگی ماهوی، در حل و فصل بحران افغانستان عملکرد موفقی نداشته و انفعالی و غیراستراتژیک عمل کرده است.

### ▪ واژگان کلیدی:

سازمان‌های بین‌المللی، سازمان ملل متحد، حل و فصل بحران، بحران افغانستان، عملکرد انفعالی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

\* این مقاله برگرفته شده از رساله دکتری تخصصی با عنوان «نقش سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در فرآیند دموکراتیزه کردن دولت‌ها با تأکید بر افغانستان» است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Arezou\_rs@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران shafiee@ase.ui.ac.ir

## مقدمه

پایان جنگ جهانی دوم آغاز توسعه مناسبات سازمان یافته و منظم بین‌المللی و منطقه‌ای به شکل دولتی و غیردولتی و رشد فراگیر همکاری‌های چندجانبه دولت‌ها در تمامی عرصه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در ترتیبات بین‌المللی بود. در همین راستا سازمان ملل متحد به عنوان عالی‌ترین الگو و نمونه‌ی سازمان‌های بین‌المللی دولتی، با هدف تأمین و صیانت از صلح و امنیت جهانی، پا به عرصه نظام بین‌الملل گذارد؛ لذا نقشی که این سازمان برای حفظ صلح و ایجاد امنیت بر عهده دارد، امروزه به شکل بازدارندگی و پیش‌گیری از مخاصمه‌ها و یا محدود کردن آن‌ها متجلی شده است. از این رو، با وجود این که این سازمان با همه نقایص خود، تلاش کرده است تا قابلیت‌ها و اهلیت خود را در زمینه‌های سیاسی به عنوان برقرار کننده صلح و به منزله‌ی یک کارگزار معتبر و جدی در مناسبات دو یا چندجانبه عینیت بخشد؛ ولی در این راه به دلیل ضعف ساختاری و وابستگی ماهوی، توفیق زیادی به دست نیاورده است.

از این رو، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که عملکرد این سازمان در فرآیند حل و فصل بحران افغانستان چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش بیانگر آن است که اگرچه سازمان ملل متحد به عنوان یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های بین‌المللی دولتی از طریق نهادهای اصلی خود نظیر شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرکل، با پیاده‌سازی و اجرای اقدامات حقوقی نظیر قطعنامه‌های صادر شده ذیل فصول ششم و هفتم منشور سازمان ملل، دیپلماتیک از قبیل اقدامات دبیرکل و نماینده ویژه وی و نهادسازی نظیر نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها و اقدامات سیاسی در جهت حل و فصل بحران افغانستان از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱ میلادی، تلاش‌های مضاعفی داشته است با این وجود در رسیدن به این اهداف، کاملاً موفق نبوده است؛ برای مثال در بحران افغانستان که یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین تنش‌های بین‌المللی محسوب می‌گردد، سازمان ملل متحد از سال ۱۹۷۹ میلادی که مصادف با اشغال خاک افغانستان توسط ارتش شوروی سابق است، سعی داشته تا با صدور قطعنامه‌های فراوان در قالب فصل ششم و هفتم منشور ملل و تعیین نماینده ویژه خود و اعزام آن‌ها به کانون بحران، در حل و فصل و خاتمه بحران، نقش فعالی ایفا کند ولی با این وجود در تقلیل یا برطرف کردن بحران‌های پیش آمده و حتی فعلی، غالباً عملکرد این سازمان انفعالی و کنش‌پذیر و غیر راهبردی بوده است؛ یا مثلاً این سازمان در سال ۲۰۰۱ میلادی زیر فشار قدرت‌های بزرگ، تهاجم ائتلاف آمریکا و ناتو به کشور افغانستان را به رسمیت شناخت؛ پس

فعالیت‌های سازمان ملل متحد در افغانستان حاکی از این مطالب است که عملکرد این سازمان، موجب مشروعیت بخشی به خواست قدرت‌های بزرگ در اشغالگری و تحرکات آن‌ها در برابر مخالفت‌های جهان بوده و البته نمی‌توان کتمان داشت که برخی اقدامات دموکراتیک این سازمان مانند برگزاری و نظارت بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نشانگر برخی از عملکردهای مثبت این سازمان در افغانستان بوده است (Gledhill et al., 2021:205-206).

در نوشتار پیش رو، ضمن معنا سازی بحران از منظر مایکل برچر<sup>۱</sup>، بیشتر به عملکرد سازمان ملل متحد در حل و فصل بحران افغانستان طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱ میلادی می‌پردازیم؛ ضمن خاطر نشان ساختن این مسئله که، پیرامون مدلول‌هایی چون سازمان ملل و افغانستان، کتب و مقالات برجسته‌ای به فارسی و لاتین تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای از پرادان و اسمیت<sup>۲</sup> اشاره داشت که در آن نویسندگان به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌اند که چگونه سازمان ملل می‌تواند مسئولیت‌های خود را با حضور طالبان در قبال افغانستان به روز رسانی کند؟ آن‌ها بیان می‌دارند که شورای امنیت سازمان ملل در مورد مأموریت آینده خود در افغانستان با انتخاب‌های سختی روبه‌رو است با این وجود نقش سازمان ملل در افغانستان پس از سیطره مجدد طالبان در اوت ۲۰۲۱ میلادی و بسته شدن بسیاری از سفارت‌خانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، اهمیت بیشتری یافته است؛ به شکلی که سازمان ملل از طریق یوناما توانست به عنوان نقطه تماسی برای تعامل با مقامات جدید طالبان محسوب گردد و به نوعی چشم و گوش برای قدرت‌های خارجی و اهدا کنندگان کمک‌های بشردوستانه، نظارت بر وضعیت حقوق بشر و هماهنگی کار آژانس‌های سازمان ملل در واکنش به بحران اقتصادی و انسانی این کشور باشد (Pradhan and Smith, 2022:1-10). کین<sup>۳</sup> نیز در مقاله خود سعی داشته تا با انجام یک مقایسه ساختار یافته و متمرکز، از مجموعه‌ای از فرآیندهای میانجی‌گری در شش جنگ داخلی بین‌المللی در طول دهه هشتاد، در یابد که آیا نقش سازمان‌های بین‌المللی در این حیطه کارساز بوده است یا خیر؟ یافته‌های وی حاکی از این واقعیت است که شناخت ویژگی‌های داخلی کشورها و همزیستی بین ابعاد داخلی و خارجی مذاکره در انتخاب، می‌تواند بهترین استراتژی در میانجی‌گری سازمان‌های بین‌المللی در جنگ‌های داخلی، کارساز باشد (Kane, 2020). همچنین گلد‌هیل و همکاران<sup>۴</sup> این چنین بیان کرده‌اند که

1. Michael Brecher

2. Ashish Pradhan and Graeme Smith

3. Sean William Kane

4. John Gledhill, Richard Caplan & Maline Meiske

حفظ صلح و کمک به توسعه، دو فعالیت تعیین کننده سازمان ملل است؛ اما در حالی که مطالعات گسترده‌ای در مورد مشارکت سازمان ملل در هر یک از این زمینه‌ها انجام شده، توجه کمتری به رابطه میان حفظ صلح و توسعه گردیده است و نویسندگان این اثر نیز در این مقاله، به دنبال بررسی همین موضوع هستند. یافته‌های این نویسندگان حاکی از این موضوع است که گرچه شاهد افزایش پیوسته در سطح مشارکت حفظ صلح با توسعه در طول زمان هستیم، ولی استدلال می‌کنیم که اهداف امنیتی کوتاه‌مدت بر اهداف توسعه بلندمدت در تعدادی از عملیات صلح‌بانی اخیر سازمان ملل اولویت داده شده است (Gledhill et al., 2021:201-229)؛ اما تفاوت مطالعات ذکر شده در فوق با کار پژوهشی تیم ما در این بوده که ما ضمن تلاش برای تحلیل عملکرد سازمان ملل متحد از جنبه مثبت و منفی در فضای نظام بین‌الملل، آن را در فرآیند بحران افغانستان طی سال‌های ۱۹۷۹ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، با استفاده از منابع دست اول شورای امنیت و سازمان ملل متحد، پیاده‌سازی و تحلیل کرده‌ایم که همین مسئله به این دلیل که تاکنون در فضای علمی کشور به آن پرداخته نشده است، از جنبه‌های نوآوری این پژوهش محسوب می‌گردد.

**چارچوب مفهومی:** در گستره تبدیل و تحولات جدید حادث در جهان امروز، یکی از پر اهمیت‌ترین واژه‌های شناخته شده مفهوم «بحران»<sup>۱</sup> است که به واسطه هویت قطبی گونه خود توانسته است نشانه‌های متفاوت و تبعات متفاوتی را از خود بروز و در ادبیات سیاسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. هر چند که همین خصوصیت یعنی نشانه‌ها و تبعات متفاوت، ارائه تعریفی مشخص و قابل اجماع از این واژه را غیر ممکن ساخته است (برچر، ۱۳۹۶: ۱۷). با این حال در فرهنگ علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ذیل مدلول بحران، تعریف ارائه شده در ذیل از سوی نظریه‌پردازان این رشته‌ها، جامع و پذیرفته شده قلمداد می‌گردد: «هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد و حالتی از نابسامانی ایجاد کند و نظم را مختل و یا حالتی غیرطبیعی پدید آورد و نیازمند اقدامات اضطراری، اساسی و فوق‌العاده باشد، بحران نامیده می‌شود» (Jalkubaneecs et al., 2018: 4). هر بحرانی نیز بر اثر عوامل پیدا و فوری و یا پنهان و عمیق عملکرد دولت‌ها، قدرت‌های منطقه‌ای و یا بین‌المللی به صورت اجتناب ناپذیری بروز می‌کند (Henneberg, 2021: 246). از دیدگاه آنتونی پارسونز<sup>۲</sup> بحران‌ها به لحاظ زمانی شامل سه دسته بحران‌های فوری، بحران‌های تدریجی و بحران‌های ادامه‌دار، می‌شوند (Haza et al., 2021:5-6).

<sup>۱</sup>. Crisis

<sup>۲</sup>. Antoni Parson

بحران‌ها، طیف گسترده‌ای از بحران‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی یا دیپلماتیک را شامل می‌گردند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۴). امروزه بروز بحران و در پی آن ایجاد نا امنی و بی‌ثباتی، محدود به تصاحب مرزها و بروز مخاصمات مسلحانه که منجر به تهدیدی بر ضد صلح یا نقض صلح باشد، نیست (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۵) و مقوله‌های دیگری از قبیل مباحث امنیتی، سیاسی، پاک‌سازی قومی، تروریسم، نقض حقوق بشر، نقض حقوق بشردوستانه، کشتار جمعی، عدم وجود نظام دموکراتیک در کشورها و غیره را نیز شامل می‌شود (Pradhan and Smith, 2022: 4)؛ از این رو در کنار کلیدواژه «بحران»، امر «مدیریت بحران»<sup>۱</sup> مطرح می‌گردد (برچر، ۱۳۹۶: ۲۲). مدیریت بحران نیز به معنای «هماهنگ‌سازی آگاهانه مجموعه تلاش‌ها، همراه با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های فنی، مالی و غیره در فرآیند پیش، آغاز، حین و پس از بحران است» (Winham, 2020: 57-89)؛ از نگاه مک‌کارتی هفت اصل برای مدیریت بحران شامل: اصل نیاز به اطلاعات با هدف اتخاذ تصمیم‌های نافذ و اثر بخش؛ اصل کنترل ابزار در رسیدن به هدف؛ اصل برنامه‌ریزی استراتژیک برای شرایط اضطراری؛ اصل ارتباط؛ اصل مشروعیت که بر مشروعیت استفاده از ابزار و روش‌های مقابله با بحران تأکید دارد؛ اصل محدودیت هدف به منظور دوری از اهداف حاشیه‌ای و پرداختن به اهداف اصلی را می‌توان متصور شد (Henneberg, 2021: 247-248)؛ اما آنچه مشخص است، مدیریت بحران چرخه‌ای از مفاهیمی چون پیشگیری و تقلیل،<sup>۲</sup> توانمندسازی،<sup>۳</sup> مقابله و بازسازی را در بطن خود تعریف می‌کند (Winham, 2020: 77).

از این رو هدف بنیادین و اصلی در مدیریت بحران، دستیابی به راه‌حلی عقلانی برای برطرف کردن شرایط غیر عادی است به شکلی که منافع و ارزش‌های اساسی را حفظ و تأمین نماید (Hazaa et al., 2021: 17). در این راه استراتژی‌هایی نظیر استراتژی فوق‌فعال،<sup>۴</sup> استراتژی فعال، استراتژی واکنشی و استراتژی انفعالی در اقدام در برابر بحران از سوی سازمان‌ها و دولت‌ها قابل شناسایی هستند (برچر، ۱۳۹۶: ۳۲-۳۹).

---

<sup>1</sup>. Crisis Management

<sup>2</sup>. Mitigation&Prevention

<sup>3</sup>. Preparedness

<sup>4</sup>. Extremely active strategy

شکل ۱: فرآیند مدیریت بحران



(ترسیم: نگارندگان)

در فرآیند مدیریت بحران نیز چهار دوره زمانی قابل تصور است که شامل پیش از بحران، آغاز بحران، حین بحران و پس از بحران است (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در این چهار دوره زمانی، اقدامات و کارکردهای متنوع و متعددی در جهت تسریع در بحران‌زدایی صورت می‌پذیرد (شکل ۱).

در ادامه، عملکرد سازمان ملل متحد را تحت سه دسته اقدامات حقوقی، سیاسی و نهادسازی که از طریق سه ارگان شورای امنیت، مجمع عمومی، دبیرکل و نماینده ویژه دبیرکل، در فرآیند حل‌وفصل بحران افغانستان که بحرانی عمیق، طولانی و جدی در فضای نظام بین‌الملل محسوب می‌شود، طی سال‌های ۱۹۷۹ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱- اقدامات حقوقی شورای امنیت: از زمان بنیان‌گذاری سازمان ملل متحد و تصدیق

درخواست عضویت افغانستان<sup>۱</sup> در این سازمان بین‌المللی بیش از هفتاد و پنج سال گذشته

<sup>۱</sup> درخواست عضویت کشور افغانستان بر اساس قطعنامه شماره ۸ این سازمان با ۱۰ رأی موافق و ۱ غایب (کشور استرالیا) در تاریخ ۲۹ اگوست ۱۹۴۷ میلادی به تصویب سازمان ملل رسید نگاه کنید به سند شماره S/RES/8(1947) به آدرس [un.org/securitycouncil](http://un.org/securitycouncil). (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰).

است که طی این دوره شورای امنیت سازمان ملل تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، بالغ بر پنجاه قطعنامه<sup>۱</sup> در قالب فصول ششم و هفتم منشور پیرامون وضعیت افغانستان، به منظور حل و فصل بحران‌های این کشور صادر کرده است (un.org/securitycouncil, 2022). اولین اقدام قضایی سازمان ملل متحد در مورد بحران افغانستان، با بروز بحران اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، منجر به تصویب و صدور قطعنامه ۴۶۲ در تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۸۰ میلادی بود که اشغال خاک این کشور را توسط ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق محکوم می‌کرد؛<sup>۲</sup> که البته با وتوی این قطعنامه توسط شوروی تا پایان جنگ سرد، شورای امنیت نتوانست اقدام خاصی در مورد بحران افغانستان انجام دهد (Vestermark, 2017: 114). هشت سال بعد در سال ۱۹۸۸ میلادی، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۶۲۲ سندی بین‌المللی را در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات مرزی دو کشور افغانستان و کشور تازه مستقل شده پاکستان<sup>۳</sup> به تصویب رسانید.<sup>۴</sup> متعاقباً در قطعنامه ۶۴۷ مصوب ۱۹۹۰ میلادی، شورا توصیه‌هایی را برای حل و فصل اختلافات افغانستان و پاکستان از طریق مساعی جمیله در خصوص حدود مرزی ارائه نمود.<sup>۵</sup> در دهه نود یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌هایی که در خصوص افغانستان از سوی شورا تصویب شد، قطعنامه ۱۰۷۶ مصوب ۱۹۹۶ میلادی بود. این قطعنامه در پی بالا گرفتن مجادله و نزاع داخلی شدید بین احزاب افغانستان که منجر به ناامن شدن این کشور، بالا رفتن شمار تلفات غیر نظامیان و افزایش شمار پناه‌جویان شده بود، به تصویب رسید. پس شورای امنیت بر طبق این قطعنامه خواستار آتش‌بس فوری و ترک مخاصمه میان طرفین و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان طرفین درگیری شد. ضمن این که تأکید بر عدم مداخله کشورهای همسایه را در این درباره توصیه داشت.<sup>۶</sup>

۱. تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی از بالغ بر پنجاه مورد قطعنامه تصویب شده، شش مورد در قالب فصل ششم و مابقی در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد به تصویب شورای امنیت رسیده است.

۲. اشغال خاک افغانستان توسط ارتش شوروی در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ تحقق یافت و تا ۱۵ فوریه ۱۹۸۹ میلادی به مدت ۹ سال و ۵۳ روز به درازا کشید (آقایی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

۳. کشور پاکستان استقلال خود را در سال ۱۹۴۷ میلادی به تأیید سازمان ملل متحد رسانید. افغانستان تنها کشوری بود که با این موضوع مخالفت داشت. عمده اختلاف افغانستان و پاکستان نیز در آن دوره بر سر حدود مرز رودخانه دیورند بود که افغانستان همچنان آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

۴. نگاه کنید به سند شماره S/RES/622 (1988) به نشانی:

(آخرین بازدید ۱۸/۱۱/۱۴۰۰) [https://undocs.org/S/RES/622\(1988\)](https://undocs.org/S/RES/622(1988))

۵. نگاه کنید به سند شماره S/RES/647 (1990) به نشانی:

(آخرین بازدید ۱۸/۱۱/۱۴۰۰) [https://undocs.org/S/RES/647\(1990\)](https://undocs.org/S/RES/647(1990))

۶. نگاه کنید به سند شماره S/RES/1076 (1996) به نشانی:

(آخرین بازدید ۱۸/۱۱/۱۴۰۰) [https://undocs.org/S/RES/1076\(1996\)](https://undocs.org/S/RES/1076(1996))

پس از آن مجدداً شورا در قطعنامه شماره ۱۱۹۳، اظهار نگرانی شدید خود از ادامه درگیری‌ها و منازعات داخلی در افغانستان که باعث ایجاد تهدید جدی و رو به رشد علیه صلح و امنیت بین‌المللی، منطقه‌ای و همچنین رنج گسترده انسانی شده بود را مطرح نمود. همین‌طور شورا درباره وخامت اوضاع سیاسی، نظامی و انسانی در افغانستان در جریان جنگ داخلی در این کشور، بحث و تبادل نظر کرد و نهایتاً با تأکید بر این موضوع که مجادلات فقط از طریق حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات قابل تعدیل است، طرفین را به آتش‌بس و دعوت جناح‌های مختلف برای توقف جنگ و ایجاد یک دولت واحد توصیه نمود.<sup>۱</sup> در همین سال با تشدید درگیری‌ها ناشی از حمله طالبان و تهدید فزاینده علیه صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت با یادآوری قطعنامه ۱۱۹۳، قطعنامه ۱۲۱۴ را به تصویب رسانید. در این قطعنامه شورای امنیت از طالبان خواست که جنگ را متوقف کند، آتش‌بس منعقد گردد و مذاکره بدون پیش‌شرط از سر گرفته شود. همین‌طور شورای امنیت از طالبان خواست که نتایج تحقیقات خود را در خصوص کشته شدن دو تن از پرسنل برنامه جهانی غذا، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در جلال‌آباد و مأمور ویژه سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در کابل را به سازمان ملل متحد اطلاع دهد.<sup>۳</sup>

از این پس شورای امنیت قطعنامه‌هایی در قالب فصل هفتم در خصوص طالبان به تصویب و اجرا درآورد که از آن جمله می‌توان به قطعنامه ۱۲۶۷ شورا مصوب ۱۹۹۹ میلادی اشاره کرد. در این قطعنامه ضمن تأکید مجدد بر قطعنامه‌های پیشین این شورا، با تکرار تشویش عمیق جامعه بین‌المللی از تخلفات متعدد طالبان و به خطر انداختن صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار تهدید علیه حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر، اسامه بن‌لادن به‌عنوان چهره‌ای تروریستی اعلام شد که وی و گروه‌های وابسته به وی از سوی شورای امنیت تحریم گردیدند. این موضوع به دلیل اعمال وی و گروه‌های وابسته به وی در اقدام به بمب‌گذاری در سفارت‌های آمریکا در نایروبی، دارالسلام، تانزانیا، کنیا و کشته شدن افرادی با تابعیت آمریکایی بود که منجر به درخواست آمریکا برای تحویل و محاکمه اسامه بن‌لادن گردید. همین‌طور در این قطعنامه تصویب گردید که منابع مالی این گروه مسدود گردد و از همه کشورها خواسته شد که برای محقق شدن این مسئله با یکدیگر همکاری کنند؛ هیچ

۱. نگاه کنید به سند شماره S/RES/1193 (1998) به نشانی:

[https://undocs.org/S/RES/1193\(1998\)\(1400/11/18\)](https://undocs.org/S/RES/1193(1998)(1400/11/18)) (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

۲. United Nations Special Mission to Afghanistan (UN SMA)

۳. نگاه کنید به سند شماره S/RES/1214 (1998) به نشانی:

[https://undocs.org/S/RES/1214\(1998\)\(1400/11/18\)](https://undocs.org/S/RES/1214(1998)(1400/11/18)) (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)



پرواز یا فرود هواپیمایی در این کشور صورت نگیرد مگر برای کمک‌های بشردوستانه.<sup>۱</sup> این قطعنامه مجدداً در قطعنامه شماره ۱۳۳۳ مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۲</sup> طی سال ۲۰۰۱ میلادی شورا پنج قطعنامه دیگر شامل قطعنامه ۱۳۶۳، ۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶ در خصوص افغانستان با تأکید بر این‌که بحران افغانستان را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کند، در قالب فصل هفتم منشور به تصویب رساند. مهم‌ترین موارد درباره این قطعنامه‌ها تأیید و تأکید مجدد شورا بر مفاد مطروحه پیشین نظیر قطعنامه ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳ بود. همین‌طور بر مبنای قطعنامه ۱۳۷۳، سازمان ملل تحت فشار آمریکا به این کشور مجوز داد تا به پایگاه‌ها و سازمان‌های تروریستی در افغانستان حمله کند. پس از آن قطعنامه‌های دیگر این سازمان در راستای تصویب درخواست تشکیل دولت انتقالی، تأیید موافقت‌نامه بن اول و تأسیس نیروی بین‌المللی کمک به امنیت یا ایساف، درخواست ساختاری برای نظارت بر اجرای تحریم‌ها در کنار به رسمیت شناختن حق ذاتی دفاع از خود بر اساس منشور در این دوره زمانی به وقوع پیوست.<sup>۳</sup>

در سال ۲۰۰۲ میلادی، شورا با تصویب هفت قطعنامه جدید که شامل قطعنامه‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۰، ۱۴۰۱، ۱۴۱۳، ۱۴۱۹، ۱۴۴۴، ۱۴۵۳ بود، مجدداً تحت فصل هفتم منشور اقدام به لغو تحریم هوایی افغانستان به دلیل شکست طالبان، تحریم بیشتر اسامه بن‌لادن، القاعده و طالبان، تصویب فعالیت یوناما در افغانستان تحت نظارت سازمان ملل متحد و با همکاری اتحادیه اروپا، تمدید فعالیت ایساف، تفویض مسئولیت تأمین امنیت و نظم به افغان‌ها و استقبال از برگزاری لویه‌جرگه اضطراری ۱۹ ژوئن را اعلام و تصویب کرد.<sup>۴</sup> از سال ۲۰۰۲ تا شروع سال ۲۰۱۰ میلادی، این ارگان اقدام به صدور چهارده قطعنامه دیگر نظیر قطعنامه‌های ۱۴۷۱، ۱۵۱۰، ۱۵۳۶، ۱۵۶۳، ۱۵۸۹، ۱۶۲۳، ۱۷۰۷، ۱۷۴۶، ۱۷۷۶، ۱۸۰۶، ۱۸۱۷، ۱۸۳۳، ۱۸۶۸، ۱۸۹۰ در خصوص بحران افغانستان نمود که عمدتاً بر تمدید فعالیت

۱. نگاه کنید به سند شماره S/RES/1267 (1999) به نشانی:

[https://undocs.org/S/RES/1267\(1999\)](https://undocs.org/S/RES/1267(1999)) (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

۲. نگاه کنید به سند شماره S/RES/1333 (2000) به نشانی:

[https://undocs.org/S/RES/1333\(2000\)](https://undocs.org/S/RES/1333(2000)) (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

۳. نگاه کنید به اسناد شماره S/RES/1363/1378/1383/1386 (2001) به نشانی:

[https://undocs.org/S/RES/1363/1378/1383/1386\(2001\)](https://undocs.org/S/RES/1363/1378/1383/1386(2001)) (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

۴. نگاه کنید به اسناد شماره S/RES/1388/1390/1401/1413/1419/1444/1453 (2002) به نشانی:

(آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

[https://undocs.org/S/RES/RES/1388/1390/1401/1413/1419/1444/1453\(2002\)](https://undocs.org/S/RES/RES/1388/1390/1401/1413/1419/1444/1453(2002))

یوناما و ایساف و گسترش حوزه فعالیت ایساف به خارج از کابل تأکید داشتند (un.org/securitycouncil, 2022). اما اقدامات حقوقی شورای امنیت سازمان ملل در خصوص بحران افغانستان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ میلادی با صدور یازده قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور نظیر قطعنامه‌های ۱۹۱۷، ۱۹۴۳، ۱۹۷۴، ۲۰۱۱، ۲۰۴۱، ۲۰۶۹، ۲۰۹۶، ۲۱۲۰، ۲۱۴۵، ۲۱۸۹، ۲۲۱۵ صورت پذیرفت که حاوی تأکید بر بازسازی افغانستان، حمایت از راهبرد توسعه ملی افغانستان و استراتژی کنترل مواد مخدر، انتقال تدریجی مسئولیت امنیت به دولت افغانستان، تأکید بر مشارکت پایدار ناتو با دولت افغانستان در طول دوره گذار از طریق تثبیت اوضاع افغانستان، حمایت از روند انتقال، حمایت از ریشه‌کنی تروریسم و حمایت از غیرنظامیان، تصدی کامل مسئولیت امنیت به نهادهای افغان بر اساس اجلاس‌های لندن، کابل، بن، توکیو، اجلاس لیسبون و شیکاگو، تأکید بر حمایت پیوسته و علی‌الدوام از دولت و مردم، حمایت از تأسیس دولت وحدت ملی، استقبال از برنامه اصلاحات افغانستان تحت عنوان «به سوی خودکفایی: تعهد برای اصلاحات و تجدید همکاری» بود؛ ضمن آن که در طی این سال‌ها شورا مجدداً رأی بر تمدید مأموریت یوناما و مأموریت ایساف در افغانستان داده بود (un.org/securitycouncil, 2022). طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ میلادی، شورای امنیت با تصویب و صدور هشت قطعنامه دیگر چون ۲۲۱۵، ۲۲۷۴، ۲۳۴۴، ۲۴۰۵، ۲۴۶۰، ۲۴۸۹، ۲۵۱۳، ۲۵۴۳ که همگی آن‌ها مجدداً ذیل فصل هفتم منشور بودند، ضمن تمدید مأموریت یوناما در این کشور، بر اتمام دوره گذار و آغاز دهه تحول- ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ میلادی- و تأکید بر حمایت سازمان ملل از این برنامه و برنامه اصلاحات، حمایت خود را از مذاکرات دولت افغانستان و طالبان اعلام کرد (un.org/securitycouncil, 2022).

اما در برهه سال ۲۰۲۱ میلادی، افغانستان دو رویداد مهم را تجربه نمود. اول خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا و هم‌پیمانانش یعنی ناتو پس از بیست سال و پس از آن سقوط دولت قانونی افغانستان و بازگشت مجدد طالبان بر سریر قدرت این کشور که موجب صدور دو قطعنامه‌ی جدید ۲۵۹۳، ۲۵۹۶ از سوی شورای امنیت در خصوص بحران افغانستان شد که طی آن ضمن تمدید مأموریت دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در امور افغانستان یا یوناما در این کشور، بر عدم استفاده از خاک افغانستان برای تهدید و حمله به هر کشوری تأکید ورزیده شد؛ همین‌طور بر اهمیت حمایت از حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌ها، اهمیت ایجاد یک دولت فراگیر، تسهیل دسترسی مردم به دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، مبارزه با تروریسم و عدم تأمین مالی و حمایت از گروه‌های تروریستی توسط طالبان، مورد

تأکید قرار گرفت. ضمن آن که همچنان قطعنامه‌های صادر شده توسط شورا در خصوص افغانستان در ذیل فصل هفتم منشور با تأکید بر این که وضعیت این کشور تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل تلقی می‌شد، تصویب گردیده است (un.org/securitycouncil, 2022).

پس اقدامات حقوقی سازمان ملل متحد در خصوص بحران افغانستان را می‌توان در قطعنامه‌هایی که توسط شورای امنیت طی سال‌های ۱۹۷۹ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی در خصوص بحران افغانستان صادر شده است، بر اساس بازفرگرد مدیریت بحران که شامل پیش‌گیری و تقلیل، توانمندسازی، مقابله و بازسازی بوده در چهار دوره‌ی پیش از بحران، آغاز بحران، حین بحران و پس از بحران تحلیل کنیم. در ابتدای امر با توجه به داده‌های ارائه شده در فوق می‌توان دریافت که عمده اقدامات شورای امنیت در حل و فصل بحران افغانستان شامل اقداماتی که پیش از بحران صورت پذیرفته باشد، نبوده و تنها اقدامات این سازمان حول مدیریت بحران در آغاز، حین و پس از بحران را شامل شده است. براین اساس سه دسته قطعنامه حائز اهمیت هستند:

#### **الف) قطعنامه‌های حقوقی که جنبه تقلیل بحران در افغانستان را داشته است:**

بر اساس محتوای قطعنامه‌های صادر شده، هشت قطعنامه حقوقی سازمان ملل متحد جنبه تقلیل بحران در افغانستان را در بر داشته است؛ شامل قطعنامه‌های ۴۶۲ که در آغاز بحران اشغال این کشور توسط شوروی، رأی بر حل و فصل بحران از طریق مذاکره در جهت کاهش بحران صادر گردیده بود؛ قطعنامه‌های ۶۲۲ و ۶۴۷ که در آغاز بحران اختلافات مرزی میان افغانستان و پاکستان، رأی بر حل و فصل بحران از طریق مذاکره و مساعی جمیله در جهت کاهش بحران داده شده بود؛ قطعنامه ۱۰۷۶ که در آغاز بحران درگیری احزاب داخلی این کشور رأی بر توقف و تقلیل ناامنی در کشور صادر گردیده بود و قطعنامه‌های ۱۱۹۳ و ۱۲۱۴ که در حین بحران درگیری‌های داخلی این کشور ناشی از ظهور طالبان باعث ناامنی منطقه گردیده بود و رأی بر تقلیل از طریق مذاکره و آتش‌بس بر اساس فصل ششم منشور صادر گردیده بود؛ قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳ که در حین بحران نگرانی‌های خود را از گسترش ناامنی و تهدید علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اعلام می‌کرد.

#### **ب) قطعنامه‌های حقوقی که جنبه مقابله با بحران در افغانستان را داشته است: صدور**

قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که تحت فشار ایالات متحده آمریکا صادر شد، مجوز مقابله و مبارزه با تروریسم در قلمرو افغانستان را در حین بحران این کشور به آمریکا و هم‌پیمانانش داد. همچنین

تأسیس و شروع مأموریت ایساف در این کشور تا سال ۲۰۱۴ میلادی که بر اساس قطعنامه ۱۳۸۶ شورای امنیت بود، به علاوه گسترش حوزه فعالیت آن به خارج از کابل بر اساس قطعنامه ۱۵۱۰ و تمدید هر ساله فعالیت ایساف با توجه مقابله با بحران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، در دسته قطعنامه‌هایی محسوب می‌گردند که جنبه مقابله با بحران را در بر داشتند.

**پ) قطعنامه‌های حقوقی که جنبه توانمندسازی و بازسازی در بحران افغانستان را داشته است:** مهم‌ترین قطعنامه‌های حقوقی سازمان ملل متحد که در خصوص بحران افغانستان جنبه توانمندسازی و بازسازی را داشتند در دوازده قطعنامه‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ و ۱۴۰۱، ۱۹۱۷، ۱۹۷۴، ۲۰۱۱، ۲۲۷۴، ۲۴۸۹، ۲۵۱۳ گرد آمده‌اند که بر اساس آن‌ها ضرورت تشکیل دولت فراگیر در افغانستان، همراه با درخواست حمایت تمامی دولت‌های عضو در جهت اجرای این موضوع، منجر به برگزاری اجلاس بن اول و متعاقب آن تصویب موافقت‌نامه بن اول گردید. همین طور تأکید بر حق مردم بر تعیین آزادانه سرنوشت سیاسی خود، حمایت از فعالیت‌های نماینده ویژه دبیرکل و کمک به بازسازی افغانستان و تأیید درخواست تشکیل هیأت یاری‌رسانی سازمان ملل متحد یا یوناما و تأکید بر بازسازی افغانستان همراه با حمایت از راهبرد توسعه ملی، مسأله انتقال تدریجی مسئولیت امنیت به دولت افغانستان تا سال ۲۰۱۵ میلادی، لزوم مشارکت پایدار ناتو با دولت افغانستان در دوره گذار از طریق تثبیت و تحکیم اوضاع، تأکید بر حمایت سازمان ملل متحد از برنامه دهه تحول ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴، حمایت از برنامه اصلاحات افغانستان با تأکید بر قطعنامه‌های قبلی این کشور و حمایت از مذاکرات دولت افغانستان و طالبان را مطرح می‌کردند (un.org/securitycouncil, 2022).

**۱-۲. اقدامات حقوقی مجمع عمومی: نقش و عملکرد حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص بحران افغانستان با اشغال این کشور توسط ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد.** همان‌طور که قبلاً ذکر کردیم، در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۸۰ میلادی، با درخواست تعدادی از کشورهای عضو، برای تشکیل جلسه فوری شورای امنیت در خصوص وضعیت افغانستان، جلسه این شورا از تاریخ ۵ تا ۹ ژانویه برقرار شد که با توجه به عدم اتفاق نظر اعضای دائم شورای امنیت و وتوی صورت گرفته توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، شورای امنیت بر اساس قطعنامه ۴۶۲ هرگونه تصمیم‌گیری در این زمینه را به مجمع عمومی واگذار کرد (روانستان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۱۰۳). مجمع عمومی نیز در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۰

طی برگزاری اجلاسی اضطراری، دخالت در امور افغانستان را محکوم نمود و خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای ارتش سرخ شوروی سابق از افغانستان شد<sup>۱</sup> و از دبیرکل وقت آن زمان یعنی والدهایم<sup>۲</sup> خواست تا نماینده ویژه‌ای در امور افغانستان در جهت حفظ صلح تعیین نماید.<sup>۳</sup> دبیرکل وقت نیز خاویر پرز دوکوئیار<sup>۴</sup> را به‌عنوان نماینده ویژه خود در امور افغانستان به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق به کابل فرستاد (دانش، ۱۳۹۴: ۲۸۰). پس از آن از سال ۲۰۰۱ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش‌هایی در خصوص وضعیت افغانستان به شورای امنیت ارائه می‌دهد تا اقدامات مورد نیاز الزام‌آور در خصوص مطالب مختلف که مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است، تأمین گردد. در حقیقت طی دو دهه گذشته اقدامات شورای امنیت در خصوص بحران افغانستان بر اساس گزارش‌های صریح و گویای مجمع از واقعیات جاری در افغانستان نشأت گرفته است (روانستان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۱۰۴).

## ۲- اقدامات سیاسی یا دیپلماتیک: در خصوص اقدامات سیاسی سازمان ملل متحد

در زمینه بحران افغانستان باید بر نقش دبیرکل متمرکز گردیم و به این موضوع اشاره کنیم که بیشترین فعالیت‌ها و ایفای نقش سازمان ملل متحد در بحران چندین دهه اخیر افغانستان از طریق نماینده ویژه دبیرکل انجام شده است.

نماینده ویژه دبیرکل، مسئول کمک به مقام دبیرکل در اجرای وظایف و مسئولیت‌های دیپلماتیک وی که عمدتاً در زمینه‌هایی مانند دیپلماسی بازدارنده و پیشگیری از وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح و امنیت بین‌الملل شود، حقیقت‌یابی، مساعی جمیله و میانجیگری، استقرار صلح، حفظ و تحکیم صلح و نظارت بر آن است (دانش، ۱۳۹۴: ۲۷۴). در موضوع افغانستان، از سال ۱۹۸۱ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی از سوی دبیرکل سازمان ملل، شانزده نماینده ویژه در امور افغانستان تعیین شده‌اند که اقدامات دیپلماتیک این نمایندگان را در راستای حل و فصل بحران در افغانستان در جدول شماره یک ارائه کرده‌ایم.

---

<sup>۱</sup> مجمع عمومی تا زمان خروج نیروهای شوروی نه قطعنامه را علیه مداخله شوروی صادر کرد. نگاه کنید به سند (A/RES/ES-6/2) به آدرس: (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰)

<https://www.securitycouncilreport.org/un-documents/document/afgh-areses6-2.php>.

<sup>۲</sup> Kurt Waldhim

<sup>۳</sup> نگاه کنید به سند شماره (A/RES/35/37) به نشانی:

(آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). <https://undocs.org/en/A/RES/35/37>.

<sup>۴</sup> Javier Perez de Cuellar

## جدول ۱: دبیرکل و نماینده ویژه دبیرکل در امور افغانستان (اقدامات دیپلماتیک انجام شده)

دبیرکل	نماینده	تصدی	اقدامات دیپلماتیک
والدهایم (۱۹۷۲-۱۹۸۱)	دوکوئیار	۱۹۸۱	نظارت به برقراری صلح در خصوص اشغال افغانستان توسط شوروی سابق از طریق مذاکره. نتیجه اقدام: موفقیت آمیز.
دوکوئیار (۱۹۸۲-۱۹۹۱)	کوردووز سون	۱۹۸۲-۱۹۸۸ ۱۹۹۱-۱۹۹۳	تلاش در خصوص نشست ژنو و خروج شوروی سابق از افغانستان از طریق مذاکره. نتیجه اقدام: موفقیت آمیز. تلاش برای آتش‌بس و برقراری صلح میان پیکارجویان و طرح حکومت ائتلافی. نتیجه اقدام: شکست خورده.
پطروس‌غالی (۱۹۹۲-۱۹۹۶)	مستیری هول	۱۹۹۴-۱۹۹۶ ۱۹۹۶	تلاش برای استقرار صلح و تشکیل حکومت ملی. نتیجه اقدام: شکست خورده. تلاش برای مذاکره با طالبان و آتش‌بس. نتیجه اقدام: شکست خورده.
عنان (۱۹۹۶-۲۰۰۷)	ابراهیمی وندل ابراهیمی آرنو کونیگز	۱۹۹۹ استعفا ۲۰۰۰-۲۰۰۱ ۲۰۰۱-۲۰۰۴ ۲۰۰۴-۲۰۰۵ ۲۰۰۶-۲۰۰۷	تلاش برای برقراری صلح. نتیجه اقدام: شکست خورده. ادامه فعالیت برای برقراری صلح. نتیجه اقدام: شکست خورده. طرح ایجاد دولت فراگیر، تصویب موافقت‌نامه بن برای برقراری صلح پایدار و نظارت بر اجرا. نتیجه اقدام: موفقیت آمیز.
کی-مون (۲۰۰۷-۲۰۱۱)	آیده دومبستورا کوبیش هیسم	۲۰۰۸-۲۰۱۰ ۲۰۱۰-۲۰۱۱ ۲۰۱۱-۲۰۱۲ ۲۰۱۲-۲۰۱۶	هدایت تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت نقش ن‌هادهای افغانی در عرصه‌های حکومت‌داری دموکراتیک، حاکمیت قانون، مبارزه با مواد مخدر، حقوق بشر، کمک‌های بشردوستانه و سایر مسائل مرتبط. نتیجه اقدام: در برخی موارد موفقیت آمیز و در برخی دیگر شکست خورده.
گوترش (۲۰۱۷ تاکنون)	یاماموتو لیونز	۲۰۱۶-۲۰۲۰ ۲۰۲۰-تاکنون	هماهنگی کمک‌های بین‌المللی به افغانستان، همکاری در روند صلح و کمک به برگزاری انتخابات این کشور. مذاکره با نمایندگان طالبان در خصوص امنیت کارکنان مأموریت‌های بشردوستانه در افغانستان. نتیجه اقدام: در برخی موارد موفقیت آمیز و در برخی موارد شکست خورده.

پس با بررسی اقدامات سیاسی و دیپلماتیک صورت گرفته توسط نماینده ویژه دبیرکل در امور افغانستان، این موضوع مشخص می‌گردد که نمایندگان ویژه دبیرکل در این کشور، در حل و فصل مسالمت‌آمیز غیر قضایی اختلافات، مواردی مانند مذاکره، مساعی جمیله، میانجی‌گری، تحقیق، گزارش، نظارت و اجرای مفاد پیمان‌نامه‌های صلح و همچنین هر اقدام پیشگیرانه‌ای که برای حفظ صلح و یا اعاده آن لازم باشد، را به کار گرفته‌اند و در نتیجه آن، در برخی از مواد موفق و در برخی موارد ناموفق بوده‌اند (جدول ۱)؛ البته که نباید این موضوع را از نظر دور داشت که اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در فرآیند مدیریت بحران افغانستان روالی طولانی و زمان‌بر محسوب می‌شود چرا که درگیری‌های داخلی و جنگ‌های طولانی مدت، این کشور را به ویرانه‌ای تبدیل نمود که برای بازسازی آن باید همه زیرساخت‌ها از صفر ساخته می‌شد. در کنار این موضوع عدم وجود سرمایه و امکانات کافی، نیل به این موضوع یعنی بازسازی را با دشواری‌های عدیده‌ای روبه‌رو نموده بود و لذا لزوم همکاری کشورها و کمک‌های خارجی به شدت احساس می‌شد. در این میان سازمان ملل، با برگزاری و حمایت از اجلاس‌ها و نشست‌های متعددی در جهت جلب توجه کشورهای جهان به منظور بازسازی افغانستان، حضوری فعال داشت (جدول ۲).

#### جدول ۲: اقدامات سیاسی و دیپلماتیک سازمان ملل در فرآیند حل و فصل بحران افغانستان

اهداف و نتایج	اجلاس
زمان‌بندی برنامه تشکیل دولت انتقالی، دولت موقت، تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس. نتیجه: همه مفاد این اجلاس به اجرا درآمد.	بن (۲۰۰۱)
جلب توجه جامعه جهانی برای کمک به بازسازی افغانستان. نتیجه: تعهد بر تخصیص ۴/۵ میلیارد دلار بودجه در جهت بازسازی.	توکیو (۲۰۰۲)
بهبود حوزه‌های خلع سلاح، مبارزه با مواد مخدر و اصلاحات قضایی. نتیجه: تعهد بر تخصیص ۸ میلیارد دلار برای اهداف اعلام شده.	برلین (۲۰۰۴)
ارائه برنامه پنج ساله در جهت بازسازی افغانستان و امضاء توافقنامه افغانستان در راستای تأمین امنیت و حکومت‌داری خوب. نتیجه: تعهد بر تخصیص ۱۰ میلیارد دلار برای اهداف اعلام شده.	لندن (۲۰۰۶)
حاکمیت قانون در افغانستان با بررسی راه کارهای اصلاح سیستم قضایی این کشور	رم (۲۰۰۷)
ادامه کمک‌های جامعه بین‌المللی برای بازسازی افغانستان. نتیجه: تعهد بر تخصیص ۵۰ میلیارد دلار در جهت بازسازی این کشور.	پاریس (۲۰۰۸)

مسکو (۲۰۰۹)	بررسی راه‌های مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و مشکلات افغانستان
لاسه (۲۰۰۹)	تجدید حمایت‌های قاطع جهانی از اقدام برای استقرار ثبات و امنیت در افغانستان
لندن (۲۰۱۰)	بررسی امنیت و ثبات افغانستان و پتانسیل‌های دولت افغانستان برای بر عهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر. نتیجه: تعهد دولت افغانستان برای به دست گرفتن امنیت کامل مناطق ناامن. مش مصالحه ملی. نتیجه: مذاکره طالبان و دولت ملی.
کابل (۲۰۱۰)	مذاکره با طالبان در خصوص مصالحه با دولت ملی افغانستان، بررسی برنامه‌های دولت افغانستان در خصوص توسعه ملی و حکومت‌داری خوب. نتیجه: ادامه مذاکره با طالبان.
استامبول (۲۰۱۱)	بررسی پیشرفت امنیتی و اقتصادی افغانستان پس از خروج نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ میلادی و تأمین همکاری‌های منطقه‌ای
بن دوم (۲۰۱۱)	ادامه کمک‌های جامعه جهانی در امر بازسازی افغانستان. نتیجه: تخصیص بودجه برای بازسازی این کشور.
شیکاگو (۲۰۱۲)	بررسی و ارزیابی همکاری‌های نظامی و امنیتی بعد از خروج ناتو. نتیجه: واگذاری کمک ۴ میلیارد دلاری به نیروی امنیتی افغانستان و واگذاری مسئولیت امنیتی کل کشور به افغان‌ها در نیمه سال ۲۰۱۳ میلادی.
استامبول (۲۰۱۲)	بررسی مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تقویت همکاری‌ها و اعتمادسازی.
توکیو (۲۰۱۲)	تعهد دراز مدت جامعه جهانی در بخش پروژه‌های توسعه‌ای و حکومت‌داری در افغانستان.
بروکسل (۲۰۱۶)	تعهد جامعه بین‌الملل جهت بازسازی افغانستان به ارزش ۱۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ میلادی.
ژنو (۲۰۱۸)	جلب کمک‌های مالی و اقتصادی به افغانستان.
اجلاس بین‌المللی صلح افغانستان (۲۰۲۰)	بحث درباره صلح و رسیدن به اتفاق نظر بر سر فرآیند آشتی در این کشور. تضمین صلح، ثبات و پایان یافتن جنگ در این کشور.
اجلاس بین‌المللی ژنو (۲۰۲۰)	بررسی میزان تعهد مالی برای چهار سال آینده به افغانستان. نتیجه: ارائه ۱۳ میلیارد دلار کمک مشروط.
اجلاس بین‌المللی ژنو (۲۰۲۱)	تعهد مشروط بر پرداخت یک میلیارد دلار کمک‌های بشردوستانه به مردم افغانستان در جهت تقلیل بحران در افغانستان.



بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره دو، این تحلیل قابل استنتاج است که عمده کارکرد و بازدهی بیست اجلاس و نشست برگزار شده در خصوص بحران افغانستان که تحت نظارت دبیرکل و تلاش نماینده ویژه وی در مناطق مختلف دنیا، طی سال‌های ۲۰۰۱ تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی برگزار گردیده بود، حول چهار محور مدیریت بحران در افغانستان که شامل پیش‌گیری و تقلیل، توانمندی، مقابله و بازسازی این کشور قرار دارد، بدین ترتیب قابل شناسایی است؛

**الف) در امر پیش‌گیری و تقلیل بحران:** اجلاس‌های برلین، لاهه، کابل، نشست دوم استامبول، اجلاس بین‌المللی صلح افغانستان، اجلاس دوم و مجدداً اجلاس سوم ژنو برگزار شد.

**ب) در امر توانمندسازی:** اجلاس‌های بن اول، رم، نشست اول استامبول، نشست دوم لندن، اجلاس شیکاگو، نشست دوم توکیو و نشست اول ژنو برگزار گردید.

**پ) در امر مقابله:** اجلاس مسکو برگزار شد.

**ت) در امر بازسازی:** اجلاس اول توکیو، نشست اول لندن، اجلاس پاریس، اجلاس بن دوم و بروکسل در جهت حل‌وفصل بحران افغانستان قابل بررسی هستند.

همچنین بر اساس یافته‌های ارائه شده در فوق می‌توان به عملکرد اقدام دبیرکل و نماینده ویژه دبیرکل در خصوص هماهنگی، نظارت و اجرای اجلاس‌های متعدد در خصوص حل‌وفصل بحران افغانستان چنین وزن دهی کرد که بیشترین تعداد اجلاس‌های برگزار شده در امر پیش‌گیری و تقلیل بحران و توانمندسازی، هر کدام با هفت اجلاس و کم‌ترین تعداد اجلاس برگزار شده در امر مقابله با بحران با یک مورد تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، برگزار و شامل می‌گردد.

### ۳- اقدامات نهادسازی: عملکرد سازمان ملل متحد در زمینه مدیریت بحران کشورها

از زمان تأسیس این سازمان بین‌المللی تاکنون در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است به شکلی که در برخی کشورها عملکرد این سازمان تنها در زمینه پیش‌گیری یا تقلیل بحران بر اساس ابزارهای دیپلماسی نظیر کامبوج، موزامبیک، السالوادور و گواتمالا بوده در حالی که در برخی دیگر تنها به مقابله با بحران نظیر کویت، لیبی و سوریه و یا توانمندسازی و بازسازی بر اساس قطعنامه‌ها و اجلاس‌ها اقدام کرده است (Herren and Lohr, 2018: 536)؛ اما در خصوص بحران افغانستان، سازمان ملل متحد نه تنها در زمینه کاهش بحران با رویکرد قالب بر اجرای فصل ششم منشور بلکه در امر مقابله، توانمندسازی و بازسازی با رویکرد بر فصل

هفتم منشور به علاوه اجرا و نظارت بر قطعنامه‌ها و اجلاس‌ها، نقش فعال و حائز اهمیتی را در طی سال‌های اخیر بر عهده داشته و ایفا نموده است.

اقداماتی همانند فراهم نمودن ثبات سیاسی و امنیتی داخلی، پیشگیری از توسعه درگیری‌ها به کشورهای همسایه و منطقه، خلع سلاح، بازگشت پناهجویان، بی‌جا شدگان و آوارگان، کمک به دموکراسی سازی از طریق نظارت انتخاباتی، ظرفیت سازی و نهادسازی، تقویت جامعه مدنی، ترویج گفتگو، مدیریت تعارض و آموزش سازوکارهای حل اختلافات، ظرفیت سازی و اصلاح بخش امنیتی، کمک‌های فنی برای بازسازی و توسعه اقتصادی، ترویج و حمایت از حقوق بشر، سازش ملی و زوال تدریجی خشونت در کنار آموزش مدنی، مین‌زدایی و افزایش آگاهی، ارتقاء همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و فراهم کردن زمینه‌های حکمرانی خوب (مصفا، ۱۳۸۸: ۲۷۸) و البته تلاش برای ایجاد دولتی جدید و مشروع که توانایی حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، حمایت از مردم خود و تضمین احترام به حقوق بشر را داشته باشد طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ میلادی از عمده فعالیت‌های مؤثر سازمان ملل متحد در حل و فصل بحران افغانستان به شمار می‌رفت (Kane, 2020). برای مثال در اجلاس بن اول، با کمک سازمان ملل متحد و تلاش‌های نماینده ویژه دبیرکل این مسئله که دولتی فراگیر و مردمی در افغانستان شکل بگیرد، به ثمر رسید. متعاقب آن نیز نهادهای اساسی از قبیل قانون اساسی مکتوب، تفکیک قوا، حاکمیت قانون و جامعه مدنی شکل گرفت؛ اما پیش شرط اجرای اقدامات نهادسازی توسط سازمان ملل متحد، ایجاد امنیت از طریق تسریع اقتدار زدایی بود. امنیت می‌تواند شامل امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد و لازمه آن وجود ساختارهایی نظیر ارتش، پلیس و سرویس‌های اطلاعاتی است که مسئول مقابله با گروه‌های شورشی، شبه نظامیان مسلح بوده که موجب تقویت قدرت حکومت مرکزی، فراهم آوردن زمینه بازسازی، توسعه مدنی و کاهش تعارضات می‌گردد (خادمی شمami، ۱۳۹۹: ۴۸-۸۸).

برای نیل به این خواسته، سازمان ملل متحد، نیروی بین‌المللی حافظ صلح یا ایساف را با استناد به قطعنامه ۱۳۸۶ و بر اساس سند نهایی اجلاس بن اول در افغانستان ایجاد نمود که البته از ۱۱ اوت سال ۲۰۰۳ مسئولیت فرماندهی ایساف بر اساس قطعنامه ۱۵۱۰ شورای امنیت به ناتو واگذار گردید. وظایف ایساف در دو بخش نظامی و غیرنظامی شامل موارد ذیل تعریف گردید:

وظایف نظامی ایساف تشکیل گروه‌های بازسازی استانی<sup>۱</sup> جهت توسعه امنیت و تسهیل برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق دور افتاده به منظور برقراری رابطه خوب با رهبران منطقه‌ای، نظارت بر پیشرفت‌های مهم، میانجی‌گری در نزاع‌ها و اجرای پروژه‌های کمکی بود (Tardy, 2018: 26).

وظایف غیر نظامی ایساف بر برقراری امنیت در کابل و حومه آن بر اساس قطعنامه ۱۳۸۶ شورای امنیت بود که در قطعنامه ۱۶۲۳ شورای امنیت در سال ۲۰۰۵ میلادی این وظیفه نیز به ناتو محول گشت (خادمی شمایی، ۱۳۹۹: ۹۳).

از دیگر وظایف ایساف، کمک به اصلاحات بخش امنیتی و اقتصادی افغانستان، حمایت و پشتیبانی از ارتش افغانستان و نیروی پلیس، خلع سلاح نیروهای نظامی غیرقانونی و کمک به مین‌روبی و انهدام مهمات منفجر نشده بود که البته در سال ۲۰۱۰ میلادی بر اساس اجلاس لندن، تصمیم بر تفویض اختیار ایساف به صورت تدریجی به افغان‌ها گرفته شد و پس از آن نیز «تیروی پشتیبانی قاطع»<sup>۲</sup> جایگزین ایساف گردید؛ که این مأموریت جدید نیز در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ میلادی به پایان رسید. همین‌طور بر اساس قطعنامه ۱۴۰۱ شورای امنیت، نهاد دائمی تحت عنوان هیأت یاری‌رسانی سازمان ملل متحد در افغانستان با حمایت اداره عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد با وظایف آماده سازی فرآیند موافقت‌نامه بن، برگزاری لویه‌جرگه اضطراری، برگزاری لویه‌جرگه قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس و شوراهای ولایتی، میانجی‌گری، فراهم کردن مشاوره سیاسی و استراتژیک برای روند صلح و ترویج حقوق بشر در دو بخش مسائل توسعه‌ای نظیر حقوق بشر و حکومت قانون و مسائل سیاسی نظیر آشتی ملی، بازسازی نهادها و ساختارهای حکومتی، تدوین قانون اساسی، شروع به فعالیت کرد و تاکنون نیز به فعالیت خود ادامه داده است (روانستان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸-۱۰۹). از این رو اگر بخواهیم عملکرد سازمان ملل متحد را در حل و فصل بحران در افغانستان در بیش از چهل سال گذشته را دسته‌بندی کنیم، می‌توان اقدامات این نهاد بین‌المللی دولتی را به پنج برهه زمانی تقسیم کرد:

الف. عملکرد سازمان ملل متحد بعد از تجاوز اتحاد جماهیر شوروی سابق به خاک افغانستان: در این دوره، اتحاد جماهیر شوروی سابق که عضو دائم شورای امنیت و برخوردار از حق وتو بود مانع از تصمیم‌گیری‌های شورای امنیت در مورد اشغال افغانستان شد. از این رو مسئله اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع شد که در آن نشست، اکثریت اعضا رأی بر خروج بدون قید و شرط ارتش

<sup>۱</sup>. Provincial Reconstruction Teams (PRTs)

<sup>۲</sup>. Resolute Support Mission (RS) or Operation Resolute Support

شوروی سابق از افغانستان را دادند. با این وجود چون تصمیم مجمع عمومی الزام اجرایی نداشته و ندارد، تصمیم سازمان ملل متحد تنها منجر به برگزاری دوازده دور مذاکره طی هفت سال گردید که نشان از انفعال یا کنش پذیری و دستخوش عامل خارجی بودن سازمان ملل متحد و ضعف ساختار این سازمان در حل و فصل بحران افغانستان داشت.

ب. عملکرد سازمان ملل پس از خروج ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق: با خروج نیروهای ارتش سرخ شوروی سابق از کشور افغانستان، سازمان ملل متحد سعی در به اجرا درآوردن سایر مفاد موافقتنامه و ایجاد صلح بین طرفهای درگیر داخلی یا احزاب کرد؛ با این وجود به دلیل موفقیت پاکستان در نشان دادن بحران افغانستان به یک موضوع درون کشوری و حمایت چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت از این مسأله، شورا امر رسیدگی به بحران افغانستان را از حیطة مسئولیت خود خارج کرد؛ این موضوع یکی دیگر از رفتارهای انفعالی سازمان ملل متحد در حل و فصل بحران افغانستان را نشان می دهد.

پ. عملکرد سازمان ملل متحد بعد از ظهور طالبان: جنایت طالبان طی پنج سال حاکمیت اولیه خود بر کشور افغانستان به خصوص در مسائل حقوق بشری در این برهه به صورت جدی دنبال نشد که این موضوع خود گویای ضعف در عملکرد غیر راهبردی این سازمان است؛ اما اعتبار بین المللی حکومت امارات اسلامی افغانستان توسط سازمان ملل متحد در این دوره نیز به رسمیت شناخته نشد.

ت. عملکرد سازمان ملل متحد بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا اوت ۲۰۲۱ میلادی: حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، موضوع برقراری امنیت جهان و کشور افغانستان را باهم گره زد که البته این بار سازمان ملل متحد قاطع تر عمل کرد به طوری که با صدور قطعنامه های الزام آور، تضعیف طالبان رقم خورد و متعاقب آن موافقتنامه بن اول تصویب و به اجرا درآمد. همین طور با تصویب موافقتنامه های الزام آور دیگری، نمایندگی یوناما در افغانستان با هدف ایجاد تطبیق کامل مواد موافقتنامه بن که شامل نهادسازی و توسعه در افغانستان بود، تحت نظارت سازمان ملل متحد شروع به فعالیت نمود که این فعالیت تاکنون (۲۰۲۲ میلادی) هر ساله تمدید شده است. در کنار آن، سازمان ملل متحد بیشتر نقش هماهنگ کننده کمک های جهانی در افغانستان را از طریق برگزاری اجلاس های متعدد داشته است.

ج. عملکرد سازمان از ۱۵ اوت ۲۰۲۱ تاکنون: پس از خروج نیروهای ارتش آمریکا و ناتو از کشور افغانستان و بازگشت و به قدرت رسیدن طالبان در رأس حکومت این کشور، سازمان ملل متحد با عدم شناسایی و به رسمیت شناختن دولت امارات اسلامی، سعی در دستیابی این گروه به حداقل‌های دموکراسی داشته است.

### نتیجه

این مقاله با بیان این پرسش که عملکرد سازمان ملل متحد در فرآیند حل و فصل بحران افغانستان چیست؟ پیاده‌سازی و پیش برده شد. از این رهگذر با بررسی نقش و عملکرد این سازمان به‌عنوان تأثیرگذارترین سازمان بین‌المللی در عرصه نظام بین‌الملل، به بررسی وظایف و عملکرد سه رکن تأثیرگذار آن در فرآیند حل و فصل بحران افغانستان طی سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۲۱ میلادی و اقداماتی که هر رکن در کاهش یا تقلیل بحران به‌عنوان کلیدواژه‌ی مدیریت بحران در افغانستان مبادرت ورزیده‌اند، پرداخته شد. اقداماتی که در برهه‌ای از زمان موجب تقلیل، مقابله و توانمندسازی و بازسازی کشور افغانستان از طریق اقدامات حقوقی که تحت لوای صدور قطعنامه‌هایی ذیل فصول ششم و هفتم منشور صورت پذیرفت، اقدامات دیپلماتیک و سیاسی که از طریق فعالیت‌های دبیرکل و نماینده ویژه وی و نهادسازی نظیر نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها را فراهم نمود و این اقدامات عمدتاً از طریق همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای دیگری نظیر اتحادیه اروپا و ناتو و نظارت سازمان ملل تحقق یافت که از آن جمله می‌توان به برگزاری دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری، مجلسی و شوراهای ولایتی و به لحاظ حمایت‌های مالی، سیاسی، برنامه‌ریزی و مدیریت کارها، نقش سازمان ملل را سازنده، مؤثر، تعیین‌کننده و فعال ارزیابی نمود. با این وجود بحران افغانستان به دلیل ضعف ساختاری و ماهوی که از سوی دولت‌های عضو و دبیرکل‌های مختلف در این سازمان متناوب تکرار شده، ادامه‌دار گردیده است؛ به شکلی که فلسفه وجودی این سازمان بر اساس سیستم چندقطبی بیان شد. اما در خلال جنگ سرد این سازمان یک نظام دوقطبی و در زمان پایان جنگ سرد عملاً تحت تسلط یک ابرقدرت قرار گرفت که همین موضوع با فلسفه وجودی این سازمان نه تنها در تناقض است که به مهم‌ترین معضل سازمان ملل متحد در حال حاضر نیز تبدیل شده است. همچنین برخورداری پنج قدرت بزرگ از حق وتو و استفاده نامشروع و سوءاستفاده از آن، در ادامه‌دار شدن بحران افغانستان به وضوح قابل مشاهده بوده است. برای مثال اتحاد جماهیر شوروی سابق چندین بار قطعنامه‌هایی که توسط شورای امنیت در خصوص محکومیت و خروج فوری ارتش این کشور از خاک

افغانستان صادر شده بود را وتو کرده است. چین نیز به‌عنوان عضو دائم دیگری از شورای امنیت با حمایت از پاکستان، بحران‌های شکل گرفته و برجسته شده در افغانستان را امری داخلی تلقی کرده و این وضعیت را تاکنون نیز ادامه داده است؛ همچنین، ایالات متحده آمریکا که از دیگر اعضای کلیدی شورای امنیت سازمان ملل محسوب می‌گردد، بارها از امتیاز عضویت خود در شورای امنیت سوءاستفاده کرده است. برای مثال با صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ میلادی مبنی بر حمله به افغانستان توسط نیروهای نظامی آمریکا و هم‌پیمانانش نظیر ناتو و اشغال این کشور برای مدت بیست سال را می‌توان از نمونه‌های ضعف و معضلات ساختاری و وابستگی ماهوی این سازمان در حل و فصل بحران‌ها از جمله بحران افغانستان برشمرد.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- آقایی، سید داوود، ۱۳۹۹، *سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران: نشر حقوق یار، ص ۱۶۳.
- برچر، مایکل، ۱۳۹۶، *بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها*، ترجمه میرفریدین قریشی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی، صص ۳۲-۲۲.
- خادمی شمامی، مهرداد، تابستان ۱۳۹۹، *ناتو و ایالات متحده آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی پس از یازدهم سپتامبر: مطالعه موردی افغانستان*، رساله دکتری گرایش روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، ص ۹۳.
- خلیلی، محسن، سلیمانی پور، زهران و عشرتی خلیل‌آباد، فهیمه (۱۳۹۲) «بررسی بحران آذربایجان بر پایه‌ی مدل مدیریت بحران برچر»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. سال ۱۴، شماره ۵۵، صص ۱۸۴-۱۴۷.
- دانش، عبدالعزیز (۱۳۹۴) «جایگاه نماینده ویژه دبیرکل در نظام ملل متحد و نقش آن در تحولات افغانستان»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۹۳-۲۷۳.
- دهشیار، حسین (پاییز ۱۳۹۰) «سیاست‌های سه‌گانه یکپارچگی و بحران افغانستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۳، شماره ۳، صفحه ۱۴۳-۱۶۶. قابل دسترسی در آدرس: (آخرین بازدید ۱۴۰۱/۱۲/۲۴) <http://ensani.ir/file/download/article/20130617152545-9826-51.pdf>
- روانستان، آرزو و شفیعی، نوذر و دهشیار، حسین و حاجی‌مینه، رحمت (پاییز ۱۴۰۰) «سازمان‌های بین‌المللی و دموکراتیزاسیون: مطالعه موردی افغانستان»، *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۴، شماره ۳، پیاپی (۵۵)، صص ۱۱۴-۸۷.
- DOR:20.1001.1.24234974.1400.14.3.5.6 (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

تحلیل عملکرد سازمان ملل متحد در بحران افغانستان (۱۹۷۹-۲۰۲۱): اقدامات حقوقی و سیاسی □ ۴۷

مصفا، نسرین (۱۳۸۸) «تحکیم صلح ملل متحد: چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۲۸۵-۲۷۱.

وب سایت سازمان ملل متحد و شورای امنیت به آدرس:

<https://www.un.org/securitycouncil>, 2022. (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۱/۱۸).

<https://www.securitycouncilreport.org/un-documents/document/afgh-areses6-2.php>

(آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)..

## لاتین

Gledhill, J., Caplan, R., Maline, M. (8 Jun 2021), "Developing Peace: The Evolution of Development Goals and Activities in United Nations Peacekeeping", *Oxford Development Studies*, 49(3), pp. 201-229. <https://doi.org/10.1080/13600818.2021.1924126>.

Hazaa, Y.M., Al-Almagtari, F., Al-Swidi, A., Tan, A. (2021), "Factors Influencing Crisis Management: A systematic Review and Synthesis for Future Research", *Cogent Business&Management*, 8(1). pp. 1-45. <https://doi.org/10.1080/23311975.2021.1878979>.

Henneberg, I. (10 Feb 2021), "International Contact Groups: Ad Hoc Coordination in International Conflict Management", *South Africa Journal of International Affairs*, <https://doi.org/10.1080/10220461.2020.1877190>, 27(4). pp. 445-472

Herren, M., Lohr, I. (11 Jul 2018), "Being International in Times of War: Arthur Sweetser and The Shifting of the League of Nations to The United Nations", *European Review of History*, <https://doi.org/10.1080/13507486.2018.1439890>, 25(3-4). pp. 535-552.

Jalkubanees, A., Supphellen, M., Helgeson, J.G. (2018), "Crisis Management Across Borders: Effects of a Crisis Event on Consumer Responses and Communication Strategies in Norway and Russia", *Journal of East-West Business*, [https://doi.org/10.1080/10669868.2017.138121424\(1\)](https://doi.org/10.1080/10669868.2017.138121424(1)). pp .1-23.

Kane, S.W. (12 May 2020), "Making Peace When the Whole World Has Come to Fight: The Mediation of Internationalized Civil Wars" *International Peacekeeping*. <https://doi.org/10.1080/13533312.2020.1760718>.

Pradhan, A., Smith, G. (28 Jan 2022), "Toward a New Mandate for the UN Mission in Afghanistan", *International Crisis Group*, No 2. pp 1-10.

[https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/Toward%20a%20New%20Mandate%20for%20the%20UN%20Mission%20in%20Afghanistan%20\\_%20Crisis%20Group.pdf](https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/Toward%20a%20New%20Mandate%20for%20the%20UN%20Mission%20in%20Afghanistan%20_%20Crisis%20Group.pdf).

Tardy, T. (31 Jul 2020), "NATO's "Global Partners" in Asia: Shifting Strategic Narratives", *European Security*, <https://doi.org/10.1080/09662839.2020.1799786>, 30(1). pp. 24-42.

Vestermark, T. (18 Jul 2017), "International Intelligence Liaison in the Afghan Theatre of War: Strategic Interests and Hierarchical Relations", *The International Journal of Intelligence, Security and Public Affairs*, <https://doi.org/10.1080/23800992.2017.1336400>, 19(2). pp 112-133.

Winham, G.R. (2020) "*New Issues in International Crisis Management*", New York: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429040986>.

<http://undocs.org/S/RES/8> (1947). (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

<http://undocs.org/S/RES/462> (1980). (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

<http://undocs.org/S/RES/622> (1988). (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (1990) <http://undocs.org/S/RES/647>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (1996) <http://undocs.org/S/RES/1076>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (1998) <http://undocs.org/S/RES/1193/1214>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (1999) <http://undocs.org/S/RES/1267>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2000) <http://undocs.org/S/RES/1333>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2001) <http://undocs.org/S/RES/1363/1378/1383/1386>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2002) <http://undocs.org/S/RES/1388/1390/1401/1413/1419/1444/1453>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2003) <http://undocs.org/S/RES/1471/1510>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2005) <http://undocs.org/S/RES/1536/1563/1589/1623>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2006) <http://undocs.org/S/RES/1707>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2007) <http://undocs.org/S/RES/1746/1776>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2008) <http://undocs.org/S/RES/1806/1817/1833>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2009) <http://undocs.org/S/RES/1868/1890>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2010) <http://undocs.org/S/RES/1917/1943>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2011) <http://undocs.org/S/RES/1974/2011>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2012) <http://undocs.org/S/RES/2041/2069>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2013) <http://undocs.org/S/RES/2096/2120>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2014) <http://undocs.org/S/RES/2145/2189>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2015) <http://undocs.org/S/RES/2215>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2016) <http://undocs.org/S/RES/2274>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2017) <http://undocs.org/S/RES/2344>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2018) <http://undocs.org/S/RES/2405>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2019) <http://undocs.org/S/RES/2460/2489>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2020) <http://undocs.org/S/RES/2513/2543>
- (آخرین بازدید ۱۱/۱۸/۱۴۰۰). (2021) <http://undocs.org/S/RES/2596/2593>